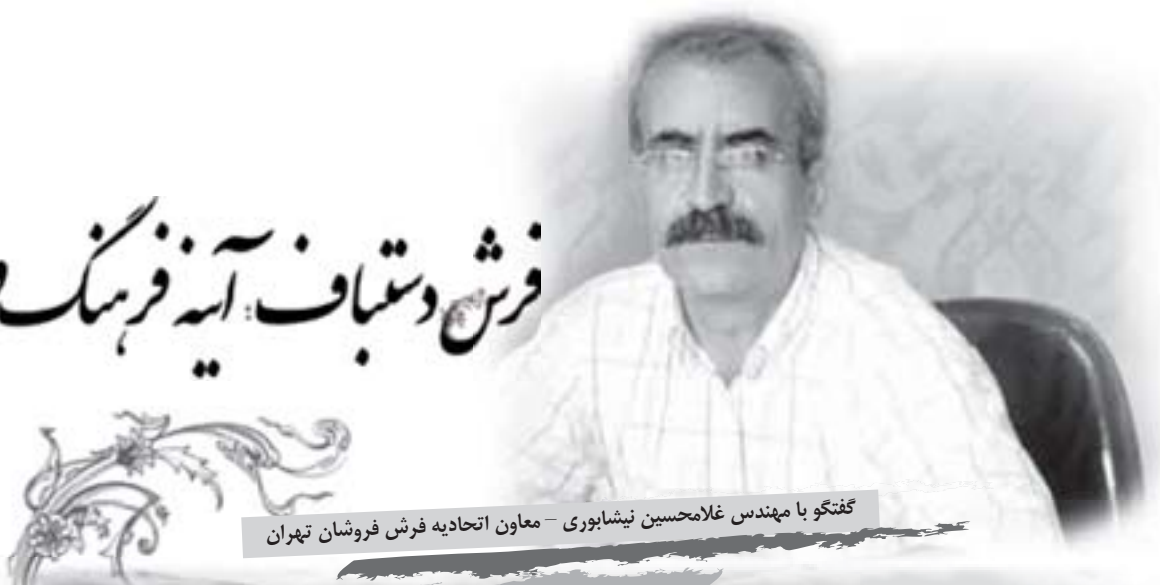


# فرش دستباف آینه فرهنگ و هنر



گفتگو با مهندس غلامحسین نیشابوری - معاون اتحادیه فرش فروشان تهران

**اشاره:**

فرش ایرانی که حاصل هزاران سال فرهنگ و هنر ایرانی است امروزه در معرض نابودی قرار دارد و جایگاه خود را در بازار های بین‌المللی از دست داده است. گرچه بازار داخلی نیز به علت قیمت بالای فری رونق زیادی ندارد. در این بین کشورهایمانند هند و پاکستان از کم توجهی مسئولان استفاده کرده و نقشه های طرفدار فرش ایرانی را به نام خود ثبت کرده واز فروش آنها سودهای قابل توجهی به دست می آورند و با وجود قیمت پایین آن فرش ها تولید انبوه، فرش را از یک کالای هنری وبا ارزش تبدیل به یک کالای مصرفی کرده است. از طرفی بی کیفیتی فرش های صادر شده از ایران نیز اعتماد خریداران را تنزل داده و فرش ایرانی که زمانی تنها در قصرها و خانه های مجلل به عنوان یک کالای سرمایه ای استفاده می شد امروز کپی های چینی و پاکستانی آن در اغلب منازل استفاده می شود. در صورتیکه باید مانند برخی از محصولات کشورهای اروپایی یا آمریکایی که تنها قشر خاصی از آنها استفاده می کنند و ارزش و قیمت آن همیشه بالا نگه داشته می شود، فرش ایرانی نیز چنین جایگاهی را داشته باشد. با وجودیکه مسئولین در بخش های دولتی و خصوصی کاملاً با این مشکلات آشنا هستند اما تا کنون هماهنگی موثر بین این دو بخش به وجود نیامده و در نتیجه هر روز از ارزش هنر ایرانی کاسته می شود. در این راستا و برای انعکاس مشکلات این صنعت گفتگویی را با مهندس غلامحسین نیشابوری معاون اتحادیه فرش فروشان تهران انجام داده ایم:

**امروزه وضعیت فرش دستباف در کشور چگونه است؟**

وضعیت بسیار اسفناک است. ما بازار بزرگی را به دلیل بعضی موضوعات ازجمله جنگ تحمیلی از دست دادیم. مشکلات باعث شد تا در بازارهای جهانی حضور نداشته باشیم. از عدم حضور ما رقیبا استفاده کردند و با استفاده از طرح های موفق ما و تغییرات امروزی در آن با تولید انبوه، بازارها را با فرش های خود پر کردند. از آنجایی که چین کشورهای دارای نیروی کار ارزان هستند بازارهای بزرگی را گرفتند. با این روند، یک جوان اروپایی و آمریکایی نام فرش ایرانی را فراموش میکنند. برای نسل جدید، فرش پاکستانی و ایرانی تفاوتی ندارد زیرا فرش از حالت یک محصول هنری و فرهنگی به یک کالای مصرفی تبدیل شده است. در گذشته برای حفظ جایگاه فرش ایرانی بیان داشتند که خریداران پس از مدتی می توانند فرش کهنه را با نو تعویض کنند. برای یک اروپایی یا آمریکایی این یک امتیاز محسوب می شد چون هیچ کالایی چنین ویژگی نداشت.

**چرا پس از مدتی شیوه معاوضه فرش کهنه با نو اجرا نشد؟**

عمده ترین دلیل آن کاهش ارزش پول ما بود زیرا در آن زمان هر دلار معادل ۷ تومان بود اما پس از افزایش قیمت دلار ارزش کالای ما

نیز کاهش یافت. از طرفی برخی از تجار، فرش را با قیمت پائین تر عرضه کردند. بالطبع ارزش و اعتبار فرش ایرانی زیر سوال رفت و دیگر عنوان کالای سرمایه ای را نداشت. رقیبا نیز با استفاده از این فرصت ها، همان کالا را با قیمت بسیار ارزان عرضه نمودند به این ترتیب جایگاه فرش ایرانی از بین رفت.

**البته در این بین نمی توان نقش تجار را نادیده گرفت، اگر تجار با شیوه های جدید کالاها را در بازار به فروش می رسانند و به کیفیت اهمیت می دادند مسلماً بازار فرش ایرانی دچار اختلال نمی شد؟**

در بخش خصوصی، تعدادی افراد سودجو و بی تخصص در بازار داخلی و خارجی فرش، با فروش فرش های نامرغوب صرفاً به دنبال کسب منافع شخصی بیشتر هستند. که هدایت و سیاست گذاری به عهده دولت است و دولت باید مانع از صادرات فرش های نامرغوب شود و از تخلفات جلوگیری نماید تا این بخش راهمار کند زیرا بخش خصوصی باید سود بدست آورد و برای آن از هر روشی استفاده می کند. در زمان جنگ نیز با برداشتن پیمان ارزی هر فردی برای کسب سود بیشتر به دنبال تجارت فرش دستباف رفت. این افراد حتی با چگونگی خرید فرش آشنا نبودند و با خرید هر نوع فرش بازار داخلی را تخریب کردند.

خرید فرش، سنت مخصوصی را داشت و با رسم و رسوم انجام می شد. با هجوم خریداران غیر حرفه ای و غیر متخصص هر فرش بی کیفیتی را در بازار فروختند. حتی این فرش ها را بوسیله اسید و آفتاب رنگ می کردند و به این توجه نداشتند که این اقدامات به جایگاه فرش ایرانی لطمه می زند. در واقع بخش خصوصی نادان باعث آسیب به بازار داخلی و خارجی شدند. گمرک نیز کنترل لازم را بر روی اجناس نداشت.

**فرهنگ سازی استفاده از فرش دستباف حتی در داخل کشور نیز انجام نگرفته و هنوز نیز اکثریت مردم ایران فرش ماشینی را به دستباف ترجیح می دهند می توان قیمت بالای آن را در این امر دخیل دانست؟**

همیشه ابراز تأسف می کنم که رسانه ملی ما به جای دسته گل مصنوعی چرا از فرش ایرانی استفاده نمی کند. تعداد زیادی از افرادی که در حوزه فرش دستباف کار می کنند حاضرند بدون آنکه نامی از آنها برده شود فرش های خود را در اختیار صدا و سیما قرار دهند و در هر مراسمی فقط فرش ایرانی حضور داشته باشد بدون هیچ تبلیغ خاصی. این کمترین کاری است که رسانه ملی باید برای فرش دستباف انجام دهد. دیدن فرش های اصیل و زیبا سلیقه سازی است و

ایجاد بازار می کند. اما دلیل عدم همکاری صدا و سیما را نمی دانیم و حتی یکبار هم از سوی این سازمان با وجود نامه نگاری های زیاد مورد توجه قرار نگرفتیم. همانطور که آثار خوشنویسی و نقاشی و آثار معماری را نشان می دهند فرش را نیز باید بعنوان یک اثر ملی مورد توجه قرار دهند، به خصوص که ایران را در تمام دنیا با فرش می شناسند.

**اتحادیه باید همراه دولت در سیاست گذاری ها شرکت کند، شاید اطلاع رسانی درستی از سوی اتحادیه صورت نگرفته است؟**

همکاری از سوی اتحادیه همیشه بوده است اما مسئولین دولتی متوجه گذشت زمان نیستند. نگرش مسئولین دولتی با بخش خصوصی متفاوت است. این تفاوت ها سبب عدم همکاری و هماهنگی شده. البته وظیفه اتحادیه این است که تعامل را برقرار کند و در اغلب محافل و مجالس پیش قدم بودیم در حالی که حضور خود را مؤثر نمی دانستیم. اما تا به امروز وحدت روش و رویه را بطور کامل به دست نیاوردیم و اتفاق نظر بین بخش خصوصی و دولتی وجود ندارد. بعنوان مثال شرکت سهامی فرش چند سال پیش اعلام کرد ما فرش ماشینی را با فرش دستباف تعویض می کنیم! انتقادهای زیادی به این صحبت شد و اینکه جایگاه فرش

ماشینی با فرش دستباف متفاوت است و اصولاً قیاس آنها کار اشتباهی است. این اقدامات صحه گذاشتن بر فرش ماشینی است و اینکه فرش ماشینی نیز به اندازه فرش دستباف دارای ارزش است. با تمام گفتگوهای انجام شده تا به امروز نتوانستیم به اتفاق نظر برسیم. البته همیشه مورد مشورت مرکز ملی فرش ایران بوده‌ایم اما کاملاً هماهنگ نشده‌ایم.

**امروزه با تغییر در شیوه‌های گذشته باید در شیوه بافندگی فرش نیز تغییرات بوجود بیاید تا از صدمات رسیده به بافندگان کاهش یابد. شاید آنها نیز در همین راستا قصد ورود ماشین در بافت دستی را دارند؟**

بحث فرش دستباف جدا از فرش ماشینی است. فرش ماشینی، موکت و... کفیوش هستند و نمی‌توان به عنوان یک فرش هنری آن را حساب آورد. چیزی که امروز باید در شیوه ما تغییر کند سلیقه روز دنیاست. مسلماً شعر حافظ برای نسل جوان علیرغم زیباییها و ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد، خیلی ملموس نیست و به همین علت بود که شعر نو بوجود آمد. این اتفاق باید در فرش نیز بیفتد. در شعر نو شعرانی موفق بودند که به ادبیات کلاسیک تسلط کافی داشتند. پس نوگرایی در تمام زمینه‌ها رعایت اصول خاصی را می‌طلبد. ما در زمینه فرش دستباف انسان‌های موفق و ناموفق داریم. عده‌ای از تولیدکنندگان بدون داشتن آگاهی از فرش ایرانی، طرح‌هایی را با استفاده از کامپیوتر بوجود آوردند که خود آنها نیز بی‌فایده بودن آن را اذعان دارند. پس ورود به شیوه‌های نوین به توانایی‌های اشخاص و شرکت‌ها مرتبط است. از سویی فرش‌های اصیل و قدیمی به دلیل ارزش هنری که دارند اگر به صورت انبوه تولید شوند از لحاظ قیمت و سلیقه قادر به رقابت نخواهند بود. تشکیلاتی نیاز است تا بافنده را به سوی طرح و نقشه روز دنیا هدایت کند. این تشکیلات می‌تواند از بخش خصوصی یا

دهد. بنابراین وظیفه مرکز ملی فرش ایران است که این مسائل را اشاعه دهد تا تولید را به جایی برسانیم که مورد قبول بازار جهانی باشد و هرچقدر که گران بود مشتری خود را داشت باشد.

**با توجه به شرایطی که عنوان داشتید آیا صنعت فرش دستباف پتانسیل برای سرمایه‌گذاری دارد و ما شاهد رشدی در این زمینه خواهیم بود؟**

فروش بیشتر نصب واسطه‌ها می‌شود و برای بافندگان سود چندانی ندارد طبیعی است که نسل جوان به دنبال چنین کار پیر زحمت با درآمد اندک نمی‌رود. اگر برخی از واسطه‌ها شرایط بهتری را فراهم می‌نمودند قطعاً در تشویق نسل جوان مؤثر بود؟

بله، در گذشته به آنها ظلم شده است و جایگاه

**فرش‌های اصیل و قدیمی به دلیل ارزش هنری که دارند اگر به صورت انبوه تولید شوند از لحاظ قیمت و سلیقه قادر به رقابت نخواهند بود. تشکیلاتی نیاز است تا بافنده را به سوی طرح و نقشه روز دنیا هدایت کند. این تشکیلات می‌تواند از بخش خصوصی یا دولتی باشد. البته باید توجه داشت که هدایت‌کننده در کجا می‌تواند قرار گیرد، آیا خود نیز باید ذی‌نفع باشد؟**

نیاز به تشویق سرمایه‌گذاران و همچنین بافندگان در این عرصه است. نسل قدیم بافندگان با دقت و ظرافت و علاقه زیادی یک فرش را می‌بافتند اما نسل جدید که زنان اکثریت آنرا تشکیل می‌دهند چندان توجهی به این هنر ندارند. اگر در گذشته برای یک دختر روستایی، فرش بافی شأن و منزلت محسوب می‌شد به تدریج در اثر بی‌توجهی علاقه به این کار در میان آنها کاسته شده و اغلب ترجیح می‌دهند تا به جای فرش بافی سریال‌های تلویزیونی را دنبال کنند یا اینکه نام هنر پیشه‌ها را بپارند. زمانی که صدا و سیما بعنوان یک رسانه ملی چنین فرهنگ‌هایی را در کشور بوجود می‌آورد باید منتظر چنین عواقبی هم باشیم. این مسائل در کنار طرح‌هایی که توسط برخی از بافندگان بافته شده و تقاضای زیادی در بازار ندارد سبب شده که بافندگان نسبت به این شغل بی‌توجه شوند.

**در کنار این شرایط به دلیل اینکه سود یک**

واقعی خود را پیدا نکردند اما در این بین وظیفه مسئولین در قبال این مشکلات چیست. در طول این سالیان چه اقداماتی را برای بافندگان انجام دادند. البته کمیته امداد، شرکت سهامی فرش و بنیادهای خیریه اقداماتی را انجام دادند اما حاصل آن چیزی که انتظار می‌رفت نبود. حتی وام به روستائیان دادند. آیا واقعاً این وام‌ها باعث ارتقای فرش شد؟ هیچ‌کدام از اینها در جای درست استفاده نشد. اگر به جای ارائه وام قدری سنجیده‌تر عمل می‌شد و در کارگاه‌های قالی‌بافی بزرگ سرمایه‌گذاری صورت می‌گرفت حاصل بهتری داشت.

**آیا با دیگر اتحادیه‌ها در صنعت فرش دستباف تعاملی برقرار کرده اید؟**

با اتحادیه‌های صادرکنندگان، مرکز ملی فرش و شرکت سهامی فرش تعامل داریم، اما گاهی بین بخش خصوصی و دولتی مشکل بوجود می‌آید با

اینکه همیشه تلاش زیادی را برای ایجاد ارتباط مؤثر با بخش دولتی داشته‌ایم اما اغلب با اختلاف نظر روبرو هستیم.

**به نظر شما با اجرای اصل ۴۴ و واگذاری شرکت‌های دولتی بخش خصوصی می‌تواند جایگاه فرش ایرانی را بازگرداند؟**

تلاش‌هایی برای واگذاری به بخش خصوصی انجام گرفت اما اطلاعی از چگونگی انجام آن ندارم. اگر واگذاری به شکل درست انجام گیرد مسلماً نقش زیادی را در بهبود این صنعت ایفا خواهد کرد. شرکت سهامی فرش در سال‌های گذشته سوددهی بالایی داشته اما در چند سال اخیر بنا به گفته مدیران شرکت حتی متضرر هم شده است.

**چه قوانینی را برای بهبود این صنعت به دولت پیشنهاد می‌کنید؟**

دولت باید فیلترهای متعددی را برای صادرات فرش در نظر بگیرد تا برخی هر محصولی را به جای فرش دستباف صادر نکنند. البته باید این کار به تدریج انجام گیرد تا تاجرانی که تعهدی را به

خریداران دارند آن را انجام دهند. باید تشکیلاتی برای گزینش فرش ایرانی در گمرک بوجود آید و البته افرادی در آن مشغول به فعالیت باشند که بدون هیچ حب و بغضی نسبت به دیگران اعمال نظر کنند. به این وسیله شاید بتوانیم اعتبار گذشته فرش ایرانی را بازگردانیم.

دیگر اینکه تلاش‌های برون مرزی از طریق سفارت ایران در خارج از کشور که محل‌های خوبی برای تبلیغات هستند انجام شود. با برگزاری نمایشگاه، جشنواره و روز فرش ایران، این هنر را به جهانیان بشناسانند. صدا و سیما که بخش مهمی از فرهنگ سازی است می‌تواند بدون صرف هزینه تبلیغات برای فرش انجام دهد و همانطور که گفتیم بخش خصوصی آمادگی دارد تا بدون معرفی فرش خاصی یا نام خاصی، فرش‌ها را در اختیار صدا و سیما قرار دهد. به هر حال این صنعت نیازمند حمایت بخش دولتی و خصوصی به صورت

توآمان است. امروز نسل گذشته به تدریج از بازار خارج می‌شوند، نسل جدید نیز تسلط کافی و علاقه در این زمینه ندارد زیرا نسل جدید به دنبال این است که خیلی زود به نتیجه برسد زیرا الگوهای نادرستی در جامعه از این افراد وجود دارد و نسل جدید نیز از آنها تبعیت می‌کنند. این قبیل افراد تعادل را در جامعه بهم می‌زنند و متأسفانه نسل جدید انگیزه‌ای برای چنین کارهایی ندارند.

